

نحوه عملکرد رویه قضایی در رویارویی با محتوای مجرمانه؛ با نگاهی به اصطلاح رابطه نامشروع مجازی

جلال‌الدین قیاسی^{۱*}، پریسا ثقفی^۲

۱. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران

دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۹

چکیده

اصرار در به کار بردن لفظ رابطه نامشروع بر رفتارهایی همچون ارسال عکس و فیلم یا متن بین زنان و مردان در فضای مجازی، سبب درک نادرست از رفتار ارتكابی و جرم دانستن یا جرم ندانستن این رفتار بر مبنای ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی شده است؛ این درحالی است که رکن مادی چنین رفتاری منطبق با مواد قانونی دیگری است. همواره درک درست از رکن مادی یک رفتار است که ما را به رکن قانونی و جرم بودن یا نبودن آن رهنمون می‌سازد. صرف استعمال لفظ رابطه نامشروع به جهت ارسال متن، فیلم و عکس بین یک زن و مرد نمی‌تواند موجبی برای تحمیل یک عنوان سنگین شرعی با مجازات سنگین‌تر بر یک رفتار صرفاً مجازی باشد. این رفتار ارتكابی می‌تواند مخاطبان دیگری را نیز دربر گیرد. در حقیقت، رکن مادی چنین رفتاری، ماهیت دیگری دارد که آن را از شمول حکم ماده ۶۳۷ خارج می‌سازد و به ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه ای نزدیک می‌کند.

این پژوهش، با هدف بررسی ماهیت و رکن مادی رابطه نامشروع مجازی و تشخیص صحیح رکن قانونی آن شکل یافته است تا اینکه رفتاری نامتناجس در میان مصادیق ماده ۶۳۷ گنجانده نشود؛ ضمن آنکه اصول و قواعد قانونی، معافیتی و صلاحیتی نادیده انگاشته نشود.

واژگان کلیدی: رکن قانونی، رکن مادی، رابطه نامشروع، فضای مجازی.



۱. مقدمه

در طول ادوار متمدنی، رویه قضایی به سمت تسری قوانین تمثیلی بر رفتارهای جدیدی بوده که واکنش اجتماعی را برانگیخته، لیکن قانون خاصی جهت مقابله با آنها وجود نداشته است. رابطه نامشروع مجازی (در قالب ارسال متن و عکس) از جمله این رفتارها می‌باشد که حکم عام ماده ۶۳۷ قانون مجازات بخش تعزیرات در مورد آن اعمال می‌شود. این در حالی است که از سال ۱۳۸۸ با وضع قانون جرائم رایانه‌ای، استفاده از این ماده جایگاه خود را از دست داده است. با این وجود، در رویه قضایی و نظریه‌های حقوقدانان، گرایش به تسری حکم ماده ۶۳۷ بر روابط نامشروع مجازی را شاهدیم. علاوه بر روابط نامشروع مجازی، این گرایش در سایر رفتارهای مشابه همچون نمایش آلات و ادوات جنسی و مستهجن در فضای مجازی نیز جریان دارد که به جای استناد به مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای، از ماده ۶۴۰ در جهت مقابله با آن استفاده می‌شود. از جمله پرسش‌های اساسی پژوهش این است که رابطه نامشروع مجازی از چه ماهیتی برخوردار می‌باشد و به چه علت نمی‌توان این رفتار را از مصادیق ماده ۶۳۷ دانست؟ رویه و دیدگاه‌های کنونی در مورد موضوع یاد شده، حول چه محوری است؟ ضمن آنکه، نقدهای وارد بر این رویه و دیدگاه‌ها چیست؟ در حال حاضر، مسأله اختلافی بین حقوقدانان و دادرسان، ملاک قرار دادن ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات در برخورد با رابطه نامشروع مجازی است. برخی از حقوقدانان و دادرسان چنین رفتاری را در قالب ارسال پیامک، عکس و متن مستهجن تحت عنوان جرائم مرتبط با محتوا و هرزه‌نگاری (الهی‌منش و سدره نشین، ۱۳۹۴، ص ۸۰) یک رابطه نامشروع و مشمول این ماده دانسته‌اند و مجازات سنگین آن را بر این رفتارهای صرفاً مجازی تحمیل می‌کنند؛ اما برخی دیگر با ملاک قرار دادن همین ماده، چنین رفتارهایی را به جهت فیزیکی نبودن، جرم به شمار نمی‌آورند و نظر بر براءة متهم دارند. به هر رو، در این پژوهش تلاش می‌شود که با ذکر دلیل، روشن شود چنین ماده‌ای در اصل نمی‌تواند مبنای روابط نامشروع مجازی قرار گیرد تا با ملاک قرار دادن آن اظهار شود چنین رفتاری جرم است یا جرم نیست. منشأ این اختلاف را می‌توان در نوع نگرش و اختلاف نظر در مفهوم رابطه نامشروع بررسی نمود.

۲. مفهوم رابطه نامشروع

ملاک قرار گرفتن ماده ۶۳۷ در مواجهه با رابطه نامشروع مجازی، به مفهومی که حقوقدانان و دادرسان از رابطه نامشروع برداشت می‌کنند بازمی‌گردد.

برخی رابطه نامشروع را قسیم عمل منافی عفت، برخی مصادیق آن را متفاوت از عمل منافی عفت و بعضی دیگر این دو را مترادف یکدیگر دانسته‌اند. بر پایه یک نظر، رابطه نامشروع به این معنی آمده است: ارتباط دو سویه‌ای که با عفت و اکراه همراه نباشد و میان افراد نامحرم و با قصد التذاذ جنسی - اما بدون تماس جنسی - صورت پذیرد. عمل منافی عفت نیز به معنی هرگونه تماس جسمی فی‌مابین زن و مرد نامحرم به قصد التذاذ جنسی به جز مواقعه می‌دانند (کریمی، ۱۳۹۲، ص ۱۵). گفته می‌شود که رابطه نامشروع، یک جرم مستمر شامل روابط غیر جسمانی است؛ اما عمل منافی عفت، جرم آنی مربوط به روابط جنسی و جسمانی است (قدسی و پورزرین، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱).

برخی دیگر، این دو اصطلاح را مترادف هم دانسته‌اند و قائل به این هستند که منظور از روابط نامشروع کلیه اعمال جنسی مادون زنا و خلاف عفت بین زن و مردی است که علقه ازدواج بین آنها نباشد و کلمه عفت خودداری از محرمات جنسی است (احمدلو، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱). در نظریه مشورتی شماره ۳۸۸۰/۷ - ۱۳۸۱/۰۴/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است: «رابطه نامشروع، موضوع ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات در قانون تعریف نشده است. معهذا، همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید عملی دوجانبه، یعنی توافق دو نفر زن و مرد اجنبی بر نوعی از روابط جنسی ناقص غیر از زنا و امثال آن است؛ بنابراین، صرف مکالمه تلفنی یا ارتباط اینترنتی، قدم زدن در پارک یا خیابان بدون لمس یکدیگر، مکاتبه نوشتاری یا مجازی و غیره رابطه نامشروع به معنی یاد شده به شمار نمی‌آید». در این نظریه نیز رابطه نامشروع در معنای رابطه جسمانی و جنسی مشابه همان تعریفی که از عمل منافی عفت ارائه شده است آمده است.

در مقابل، برخی معتقدند که عبارت منافی عفت مفهومی کلی است و بر جرایم زنا، لواط، مساحقه و غیره نیز صدق می‌کند و رابطه نامشروع، قسیم آن است (رک. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴۴ - ۱۳۸۹/۰۱/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه).



در مجموع، بر اساس تعاریف یاد شده و متن ماده ۶۳۷ در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)^۱، سه احتمال وجود دارد:

۱. حرف «یا» در ماده ۶۳۷ در مفهوم عطف بیان است و عبارت از قبیل تقبیل و مضاجعه به هر دو عبارت عمل منافی عفت و رابطه نامشروع بازمی‌گردد؛ بنابراین هر دو عمل منافی عفت و رابطه نامشروع شامل اعمالی جنسی و جسمانی است، اما ممکن است از جهاتی همچون جنسیت مرتکبان و نحوه ارتکاب رفتار از سوی ایشان متفاوت باشند؛ برای نمونه، رابطه نامشروع به رابطه زن و مرد بازمی‌گردد؛ اما عمل منافی عفت، روابط میان همجنس‌ها و کودکان با یکدیگر یا روابط گروهی را هم شامل می‌شود. به همین گونه در شرع، روابط اخیر مورد حکم واقع شده است (لطفی، ۱۳۸۷، ص ۶۷۲).

۲. می‌توان اصطلاح رابطه نامشروع در ماده ۶۳۷ را عام دانست و شامل هر رابطه‌ای تلقی نمود و عبارت «از قبیل تقبیل و مضاجعه» را صرفاً به عمل منافی عفت بازگرداند. در این صورت، منظور از رابطه نامشروع، رفتارهایی است که از سنخ مصادیق تمثیلی نیست و لذا می‌تواند شامل اعمالی غیر جنسی و فیزیکی نظیر مکالمه و در خلوت بودن یا نوشتن نامه باشد.

۳. با عنایت به تبصره ذیل ماده ۳۰۶ اصلاحی مصوب ۱۳۹۶/۰۳/۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر اینکه «... منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است»، عمل منافی عفت در معنای عام شامل جرائم حدی و تعزیری بوده و رابطه نامشروع، قسمی از آن است؛ بر پایه این احتمال می‌توان بیان نمود که قانونگذار با ذکر عبارت منافی عفت در ماده ۶۳۷ در مقام بیان یکی از اقسام آن یعنی رابطه نامشروع تعزیری است و بنابراین طبق احتمال اول، این دو عبارت مترادف یکدیگر می‌باشند. اما در این احتمال، رابطه نامشروع، قسم عمل منافی عفت بوده و رابطه آنها عموم و خصوص مطلق است.

می‌توان گفت آنانی که اصرار به حاکمیت این ماده بر روابط نامشروع مجازی دارند، مفهوم رابطه نامشروع را عام و شامل مصادیق غیر فیزیکی می‌دانند؛ اما کسانی که این دو اصطلاح را مترادف یا

۱. «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود».

قسیم هم می‌دانند، رابطه نامشروع مجازی را به جهت فیزیکی نبودن در اصل جرم به شمار نمی‌آورند. نگارندگان، تا حدی موافق نظر اخیر می‌باشند؛ اما در عین حال، در مقام پاسخ به این پرسش‌اند که به چه استنادی، رابطه نامشروع مجازی جرم نیست؟، حال آنکه این رابطه در قوانین دیگر جرم‌انگاری شده است.

پیش از انقلاب اسلامی و تا قبل از وضع قانون مجازات اسلامی، برابر مواد ۲۰۷ به بعد قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ با اصلاحات بعدی، صحبت از هتک ناموس و منافیات عصمت یا روابطی بود که در شرع و فقه نیز در قالب رفتار مادی متظاهر و واقعی، مورد حکم واقع شده است؛ اما به مرور و با پیدایش مصادیقی همچون مکالمه، رد و بدل پیام‌های مصور یا مکتوب در فضای مجازی و غیره، حسب نظر حقوقدانان و دادرسان در ماده ۶۳۷ عبارت رابطه نامشروع به عمل منافی عفت اضافه گردیده است تا دربرگیرنده چنین اقداماتی باشد. بر فرض پذیرش این دیدگاه و احتمال دوم (مفهوم عام رابطه نامشروع) بنا به دلایل زیر و به پیوست آرای موجود، ماده ۶۳۷ اختصاص به رفتارهای فیزیکی اعم از جنسی و غیر جنسی دارد و ملاک قرار دادن آن در برخورد با روابط نامشروع مجازی موضوعیت نداشته و حتی در عمل، مخالف با نظر و برداشت خود دادرسان است.

۳. مطالعه موردی عملکرد و نشست قضایی

طبق بررسی‌های انجام شده در این پژوهش و واکاوی در عملکرد دستگاه قضایی مشاهده می‌شود آنچه که در قانون پیش‌بینی شده است، با آنچه در رویه قضایی به آن عمل می‌شود، در اکثر مواقع همخوانی ندارد. رابطه نامشروع مجازی در رویه و نشست قضایی دو دیدگاه را دنبال می‌کند. در هر دو دیدگاه، ماده ۶۳۷ ملاک قرار گرفته است که ذیلاً به آن اشاره می‌شود.

برابر رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۰۲۶۰ - ۹۲/۰۳/۰۵ صادره از شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان: «در خصوص جرم رابطه نامشروع مجازی از طریق فیس‌بوک و ارتباط مجازی دادگاه توجهها به پرینت نامه‌های ارسالی طرفین از طریق فیس‌بوک و اینترنت مبنی بر اینکه در کشور ترکیه با هم آشنا شده‌اند و پس از آن، از طریق ارسال نامه الکترونیکی که پرینت آنها با هم در ارتباط بودند، حکم به ۵۰ ضربه شلاق تعزیری [در حق طرفین داده شد]. در این پرونده آقایان م. و. و الف. الف. وکلای محترم خانم م. ک. به طرفیت آقای م. س. و همچنین آقای ب. ص. وکیل محترم آقای م. س. به طرفیت



خانم م. ک. از دادنامه ۹۰۰۹۳۲ - ۹۱/۱۱/۰۹ شعبه ۱۱۵۸ دادگاه عمومی جزایی تهران در مهلت مقرر قانونی تجدید نظرخواهی نموده است که به موجب دادنامه از جهت جرم رابطه نامشروع حسب ماده استنادی قانونی به مجازات مقرر محکوم گردیده‌اند. حال با توجه به مدارک موجود در صفحه ۵۹ الی ۸۳ بر احراز جرم رابطه نامشروع و تعیین مجازات حسب ماده استنادی قانونی ایرادی وارد نمی‌باشد و مجازات مقرر برای خانم م. ک. با استناد به ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به مدت دو سال تعلیق می‌گردد و در صورت ارتکاب جرایم موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی در مدت تعلیق با رعایت مقررات ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی حکم تعلیق لغو می‌گردد و به این ترتیب، طبق بند الف از ماده ۲۵۷ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی تأیید می‌گردد». رئیس شعبه ۴۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران - مستشار دادگاه

در رأیی دیگر به شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۷۰۲۰۰۲۹۹ - ۹۳/۰۳/۲۴ رابطه نامشروع بین زن بیگانه و شوهر شاکیه از طریق ارسال پیامک، اینترنت و به صورت مجازی بوده، که دادگاه بدوی عمل آنها را در حد ارسال یک پیام با متن مذموم و ناپسند دانسته که قابل سرزنش است؛ اما نظر به اینکه پیامک یک رابطه فیزیکی مشمول ماده ۶۳۷ نیست، حکم بر برائت صادر می‌کند. این در حالی است که دادگاه تجدیدنظر شعبه ۵۷ استان تهران بیان می‌دارد اگر نظر قانون‌گذار فقط رابطه فیزیکی بود، قید رابطه نامشروع بی‌معنی بود و با عنایت به وجود پیامک‌های مستهجن که بین طرفین رد و بدل گردیده است، اتهام رابطه نامشروع محرز و مسلم بوده و مستنداً به بند ۴ از ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته در این قسمت به استناد ماده ۶۳۷ قانون صدرالذکر و رعایت بند «ث» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی به لحاظ حُسن سابقه محکوم به اتهام رابطه نامشروع غیر از زنا به پرداخت مبلغ بیست میلیون ریال به عنوان جزای نقدی به نفع دولت محکوم می‌گردد.

در نشست قضایی استان قزوین/ شهر آبیک ۱۳۹۷/۰۳/۱۳ این پرسش مطرح شده است که آیا ارسال هرگونه پیامی بین مرد و زن نامحرم که علقه زوجیت ندارند جرم می‌باشد؟، مستند آن چیست؟ در پاسخ، هیأت عالی این‌گونه نظر داده است: «صرف ارسال پیامک به نامحرم فاقد عنصر قانونی است و نمی‌توان با اغماض و مسامحه دایره شمول جرم را توسعه داد؛ نتیجتاً نظریه اقلیت در حد مرقوم مورد تأیید است». در نظر اکثریت آمده است: «قانونگذار به دنبال بیان کلیه مصادیق نبوده و

ارسال مواردی نظیر پیامک به نامحرم اگر از حالت عادی خارج شود، مشمول ماده ۶۳۷ بوده و قابل مجازات است. در نظر اقلیت بیان می‌شود صرف ارسال پیامک به نامحرم جرم نیست؛ اما اگر به قصد التذاذ جنسی باشد، با اغماض از ماده ۶۳۷ استفاده می‌شود». نکته جالب این نظر آن است که بیان می‌شود ارسال پیامک گرچه مستهجن باشد جرم نیست، مگر به موجب قوانین دیگر همچون قانون جرائم رایانه‌ای یا قانون سمعی و بصری. در این نظر تناقض‌هایی وجود دارد؛ از یک طرف اعتقاد بر این است که اگر مستهجن باشد مشمول قانون دیگری است، ولی از سوی دیگر نمی‌خواهند از قید قوانین سنتی خارج شوند و از بسط بیش از اندازه این قوانین بر رفتارهایی که مشابه مصادیق این قوانین سنتی که در مقام بیان رفتارهای فیزیکی است دوری گزینند. در نهایت با قید وجود التذاذ جنسی بین مرتبطان، قصد استفاده مجدد از ماده ۶۳۷ را دارند و چنین بیانی حاکی از آن است که هیچ اعتقادی به درست بودن آن وجود ندارد. چگونه می‌توان متوجه التذاذ جنسی بین مرتبطان شد؟ مگر نه این است که ارسال کلمات مستهجن و عکس‌های این‌چنینی می‌تواند ظهور در این التذاذ داشته باشد؟ چنین رفتاری در قانون جرائم رایانه‌ای و تحت لوای رکن مادی ماده ۱۴ آن جرم انگاری شده است.

در نشست قضایی شماره ۶۵۸۰-۱۳۹۸ استان خراسان رضوی/ شهر تربت جام ۱۳۹۷/۰۴/۰۶ این پرسش مطرح گردیده است: مرجع رسیدگی به روابط نامشروع در فضای مجازی کیست؟ نظر هیأت عالی: آنچه که به عنوان فلسفه طرح موضوع روابط نامشروع در دادگاه شده، امر بزه‌پوشی و عدم اثبات آن است. از این حیث تفاوتی بین فضای کلاسیک و مجازی نیست. نتیجتاً نظر اکثریت صحیح می‌باشد.

نظر اکثریت: مرجع رسیدگی دادرسی می‌باشد؛ اولاً با توجه به اینکه قانونگذار در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد که به جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود و در تبصره نیز تصریح نموده که منظور از جرائم منافی عفت در این قانون جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است و لذا منظور قانونگذار، روابط نامشروع فیزیکی بوده و در مقام شک نیز با توجه به اینکه اصل در رسیدگی دو مرحله‌ای می‌باشد، لذا مرجع صالح دادرسی می‌باشد. نظریه اقلیت: مرجع رسیدگی دادگاه می‌باشد. اولاً، با عنایت به اینکه درآموزه‌های دینی جهت جلوگیری از اشاعه فساد و فحشا تاکید زیادی بر



کتمان جرایم جنسی شده، قانونگذار نیز درصدد این بوده که دایره اطلاع افراد جامعه حتی ضابطان دادگستری و بالاتر مقامات دادرسی را کمتر نماید تا از توالی فاسد آن جلوگیری شود و در مقام مضیق کردن دایره افراد مطلع از این جرایم چه تفاوتی بین جرم فیزیکی و مجازی می باشد و هر دو سبب اشاعه فحشا خواهد بود؛ لذا در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تصریح نموده که به جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می شود و در تبصره نیز تصریح نموده که منظور از جرائم منافی عفت در این قانون جرائم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است و در تبصره، نه تنها در مقام خارج کردن دادگاه از رسیدگی به جرائم روابط نامشروع مجازی نبوده است، بلکه با توجه به اختلاف نظر در مورد اینکه آیا منظور از جرایم منافی عفت جرائم جنسی حدی است یا روابط نامشروع تعزیری از قبیل تقبیل و مضاجعه را هم شامل می شود. جهت جلوگیری از تفاسیر مختلف و اختلاف نظر قضات دادگاه و دادرسی و جلوگیری از رویه های مختلف و ایجاد نظم واحد، تصریح نموده که منظور از جرائم منافی عفت که باید به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی شود، علاوه بر جرائم جنسی حدی، روابط نامشروع تعزیری از قبیل تقبیل و مضاجعه را نیز شامل می شود؛ ثانیاً در خصوص اینکه روابط نامشروع آیا شامل روابط نامشروع فضای مجازی هم می شود یا با توجه به تمثیل ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ «کتاب پنجم تعزیرات» فقط شامل جرائم روابط نامشروع فیزیکی از قبیل تقبیل و مضاجعه می باشد، اختلاف نظر است و مرجعی می تواند در این خصوص اظهار نظر نماید که صلاحیت رسیدگی به اصل موضوع را داشته باشد و به تصریح قانونگذار مقام رسیدگی به روابط نامشروع به طور کلی دادگاه است.

۴. چالش و نقد عملکرد قضایی

در این مبحث به عنوان مبحث اصلی به نقد رویه و دیدگاه های موجود پیرامون رابطه نامشروع مجازی، بیان ماهیت و شاکله حقیقی این رفتار پرداخته می شود.

۴-۱. ملاک و فایده قانونگذاری

بر اساس آنچه بیان شد، اگر بر فرض، نظر قانونگذار بر تسری حکم ماده ۶۳۷ به روابط غیر فیزیکی و عام بودن مفهوم رابطه نامشروع باشد، این ابهام تا سال ۱۳۸۸ وجود داشت؛ در این سال، قانونگذار با وضع قانون جرائم رایانه‌ای در مقام بیان نظر خود بر عدم تسری مفهوم رابطه نامشروع به چنین رفتارهایی برآمده و این رفتار را در قالب محتوای مجرمانه در ماده ۱۴ این قانون جرم‌انگاری نموده است که حتی اگر به این رفتار رابطه نامشروع مجازی اطلاق شود، جنس و رکن مادی آن باز هم مطابق با ماده ۶۳۷ و مصادیق فقهی نخواهد بود؛ بنابراین، در قانون تعزیرات دو فصل مخصوص به جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی پیش‌بینی شده است: یک فصل مخصوص جرائم سنتی که به شکل فیزیکی رخ می‌دهند و یک فصل در انتهای آن تحت عنوان فصل چهارم قانون جرائم رایانه‌ای شامل مواد ۱۴ و ۱۵ مقرر شده است. اگر اصل بر هجو و بیهوده نبودن قانون باشد، استفاده نکردن از این قانون در مواجهه با چنین رفتارهایی سبب متروک شدن آن به جهت فقدان مصادیق خواهد شد.

در این بحث، پاسخ به چند پرسش ضروری است؛ اینکه آیا رابطه نامشروع فصل چهارم قانون جرائم رایانه‌ای، قسیم فصل هجدهم قانون تعزیرات است یا این دو فصل مجزا از یکدیگرند؟ آیا ارتباط دو ماده ۶۳۷ و ۱۴ عموم و خصوص مطلق است و یا عموم و خصوص من وجه؟ نخست، در تشخیص چنین ارتباطی باید دید عنصر مادی رابطه نامشروع با مصادیق کدام یک از مواد ۱۴ و ۶۳۷ همخوانی دارد.

رکن مادی رابطه نامشروع مجازی شامل این موارد است: ۱. ارسال و توزیع متون، عکس و یا فیلم از برهنگی، اندام تناسلی و عمل جنسی فی‌مابین، ۲. استفاده از دستگاه‌های رایانه‌ای - مخابراتی، ۳. وجود رضایت طرفینی، ۴. شکل‌گیری رابطه بین زنان و مردان، همجنسان با یکدیگر و اطفال. در فقه و ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات همواره رابطه نامشروع سنتی با یک‌سری رفتارها همچون تقبیل، مضاجعه، رفتار مادون زنا، لواط، مساحقه و غیره شناخته می‌شود. این مصادیق نشانگر ویژگی‌های مشترکی هستند که آنها را از سایر روابط و مصادیق عمل منافی عفت متمایز می‌سازد. در ذیل، به مهم‌ترین وجوه تمایز در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. فیزیکی و مادی بودن



ویژگی مهم و بارزی که در کلیه مصادیق روابط نامشروع سنتی وجود دارد، ارتکاب آنها به شکل کاملاً جسمی و فیزیکی است. تقبیل، مضاجعه و غیره به شکل یک فعل مثبت مادی و تماس جسمی صورت می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که حتی صرف نوشتن نامه عاشقانه (نظریه ۱۳۷۸/۰۶/۰۱-۷/۲۴۵۲ و تنها بودن زن و مرد در یک مکان) (نظریه ۱۳۸۳/۰۵/۰۱-۷/۳۰۲۲) بدون چنین ارتباطی رابطه نامشروع سنتی نخواهد بود.

۲. وجود رابطه میان نامحرمان (عدم علقه ازدواج)

رابطه، مؤنث کلمه رابط، دلالت ربط میان دو چیز و دو تن یا دو گروه یا یک شخص و یک گروه دارد (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۶۱۵). در فقه و شرع به اقسام مصادیق این رابطه پرداخته شده است: رابطه زن و مرد مادون زنا، رابطه همجنسان مادون مساحقه، لواط و رابطه با اطفال. اما آنچه در ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات جرم‌انگاری شده، رابطه نامشروع زنان و مردان نامحرم است و ماده ۲۳۷ ق. م. ا. همجنس‌گرایی بین مردان و زنان را مورد حکم قرار داده است؛ در حالی که رفتارهای یاد شده، بالجمله عمل منافی عفت به شمار می‌آیند.

۳. وجود رضایت

رابطه نامشروع از جمله افعال مجرمانه‌ای است که بزه‌دیده ندارد (رهامی و حیدری، ۱۳۸۳، ص ۷۸) و مانند زنا با رضایت طرفین انجام می‌پذیرد. در صورتی که غیر از این باشد، در حیطه رابطه به عنف - موضوع قسمت دوم ماده ۶۳۷ - قرار می‌گیرد.

در ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای، رفتار و شرایط ارتکاب عمل مجرمانه شامل:

۱. فعل مثبت: تولید، انتشار، توزیع، معامله، ذخیره، نگهداری و ارسال

۲. موضوع: محتویات مستهجن (طبق تبصره ۴ ماده یاد شده، محتویات مستهجن شامل متن، صوت و تصویر که بیانگر برهنگی کامل زنان و مردان یا عمل جنسی آنها یا اندام تناسلی باشد) و مبتذل (طبق تبصره ۱ محتویات مبتذل، ناظر بر صور قبیحه و صحنه‌دار است).

۳. وسیله: سامانه‌ها و دستگاه‌های رایانه‌ای و مخابراتی

توزیع در اینجا به معنای پخش محدود است (عزیزی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸). رفتار مجرمانه یا رابطه نامشروع مجازی نیز که همان ارسال عکس، فیلم و متن مستهجن است، کاملاً منطبق با رکن مادی و قانونی است. شایان ذکر است ارتکاب این اعمال الزامی‌مابین یک زن و مرد اتفاق نمی‌افتد؛ همان‌گونه

که بیان شد، می‌تواند میان همجنسان، اطفال و حتی افراد محرم در سطح گسترده مانند گروه‌های سکس (جیشانکار، ۱۳۹۴، ص ۹۸) تحقق یابد؛ بنابراین، بین دو نفر یا یک زن و مرد در قالب ارسال و در گروه‌ها در قالب توزیع قابل ارتکاب است.

دلالت لفظ رابطه نامشروع مجازی بر چنین رفتاری به این مطلب بازمی‌گردد که بیشترین پرونده‌های تشکیل شده در زمینه ارسال عکس، متن و فیلم، بین یک زن و مرد بوده است که شاکیان آن را همسران علیه شریک زندگیشان تشکیل می‌دهند. اینکه چنین رفتاری بین زن و مرد باشد یا سایرین، تغییری در رکن مادی و ماهیت چنین رفتاری ایجاد نمی‌کند و سبب نمی‌شود این رفتار در قالب یک رکن قانونی و در کنار مصادیق نامتناجس که مبنایی شرعی دارند، قرار گیرد.

با عنایت به آنچه که بیان شد و با توجه به فصل‌بندی قوانین و مواد موجود در ارتباط بین دو قانون در مقابله با رابطه نامشروع دو فرض قابل تصور است:

۱. در یک فرض می‌توان عمل منافی عفت را بر مبنای ماده ۳۰۶ و فقه تعریف کرد و آن را محدود به جرائم جنسی حدی و رابطه نامشروع سنتی از قبیل مضاجعه و تقبیل قرار داد. در این صورت، ماده ۶۳۷ قسمی از عمل منافی عفت به شمار می‌آید و رابطه نامشروع مجازی از دایره اعمال منافی عفت خروج موضوعی پیدا می‌کند و در مفهوم کلی جرائم مرتبط با محتویات موضوع ماده ۱۴ قرار می‌گیرد.

۲. در فرض دیگر با عنایت به عناوین فصل هجدهم قانون تعزیرات و فصل چهارم قانون جرائم رایانه‌ای تحت عنوان جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی، مفهوم عمل منافی عفت می‌توان در مفهومی کلی‌تر از فرض اول در نظر گرفته شود که در این صورت، رابطه نامشروع سنتی، موضوع ماده ۶۳۷ و رابطه نامشروع مجازی، موضوع ماده ۱۴ (شکل جدید عمل منافی عفت) هر کدام به طور مجزا قسیم آن قرار گیرند.

در هر دو فرض، رابطه نامشروع سنتی و رابطه نامشروع مجازی متفاوت از یکدیگر بوده و نمی‌توانند قسیم یکدیگر قرار گیرند؛ زیرا اولی از جنس رفتار و روابط فیزیکی و جسمانی و به مراتب عمیق‌تر از رابطه نامشروع مجازی - ارسال متن، عکس و فیلم - صرفاً در حد ارتباط مجازی است و هیچ کدام کلی‌تر از دیگری نیستند تا دیگری را در برگیرند و تنها اشتراک آنها در مفهوم منافی عفت آنها است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد بین مواد ۶۳۷ قانون تعزیرات و ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای،



رابطه تباین وجود دارد و نسبت هر کدام از روابط با عمل منافعی عفت، عموم و خصوص مطلق است. در نتیجه، در مواردی که هر دو رفتار توسط افراد اتفاق می‌افتد - همچون موردی که در گروه‌های سکس و یا سایر فضاهای مجازی، رابطه آنها در قالب ارسال عکس، متن و فیلم شکل می‌گیرد و به رابطه نامشروع سنتی منتهی می‌شود - می‌توان گفت با تعدد مادی مواجه خواهیم بود.

۲-۴. اعمال معافیت‌ها

کیفر سنگین ۹۹ ضربه شلاق در مورد رابطه نامشروع مجازی که هیچ گونه سنجیتی با مصادیق ماده ۶۳۷ ندارد، خلاف اصل تناسب و قانونی بودن جرم و مجازات‌هاست. در عمل نیز خود قضات اعتقادی به اعمال چنین مجازاتی بر رفتارهایی که منجر به هیچ‌گونه تماس جسمانی نمی‌شود، ندارند؛ لذا در خصوص مرتکبان از معافیت‌های قضایی استفاده می‌کنند که همین موضوع نیز جای بحث دارد. ممکن است در اینجا این پرسش مطرح شود که چه اشکالی در این مطلب وجود دارد؟ در سایر جرائم نیز دادرسان با وجود شرایط اختیار استفاده از معافیت‌ها را دارند؛ پس چگونه از این مطلب نتیجه گرفته می‌شود که دادرسان اعتقادی به اعمال این ماده در خصوص رابطه نامشروع مجازی ندارند؟ در پاسخ بیان می‌شود اگر واقعا هدف ملاک قراردادن ماده ۶۳۷ بر این رفتارها باشد، مجازات اصلی این ماده نیز ۹۹ ضربه شلاق است که باید ابتدا به این رفتارها نیز تسری داده شود و در مرحله بعد، با وجود شرایط معافیت‌ها اعمال شود. این درحالی است که این مجازات به رفتارهایی بازمی‌گردد که منصوص شرعی می‌باشند (صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۸، ص ۵۵) و طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ امکان استفاده از معافیت‌ها در مورد آنها وجود ندارد. حتی اگر طبق نظرات موجود قائل به تسری لفظ رابطه نامشروع بر این روابط مجازی شویم، مبنای این استدلال کجاست تا بتوانیم این مجازات سنگین را بر آن تحمیل کنیم؟ با عنایت به ضرورت توجیه فقهی حکم، مبنای اعمال ۹۹ ضربه شلاق در مورد ارسال عکس و فیلم چیست؟ شاید همین خلاف اصل تناسب و قانونی بودن تحمیل چنین مجازاتی بر این رفتارها سبب شده است (میرمجیدی و غلاملو، ۱۳۹۷، ص ۶۲) تا دادرسان خلاف قواعد منصوص شرعی اقدام به استفاده از معافیت‌ها کنند. اگر چه این مطلب به قبل از سال صدور رأی وحدت رویه ۷۷۰ بازمی‌گردد که در آن موضوع ماده ۶۳۷ به جهت متغیر بودن مجازات غیر منصوص شرعی

اعلام شده است^۱، اما همین رأی جای نقد دارد. آیا متغیر بودن یا نبودن مجازات می‌تواند ملاک منصوص شرعی و غیر منصوص شرعی باشد؟ مگر همین ملاک، وجه تمایز بین جرائم حدی و تعزیر منصوص شرعی نیست؟ یکی از وجوه تمایز بین مجازات حدی و منصوص شرعی در اکثر تفاسیر معین نبودن میزان مجازات است (رحمانیان و حبیب زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰). اگر قرار بر ثابت بودن مجازات‌های منصوص شرعی باشد و آنها رفتارهایی باشند که نوع و میزانشان در شرع مشخص شده است، دیگر تفاوتی بین آنها با جرائم حدی باقی نمی‌ماند. اگر ملاک متغیر بودن مجازات است، همین ملاک در ماده ۳۲۷ قانون مجازات نیز در رابطه با روابط همجنس‌گرایان وجود دارد؛ پس چرا موضوعات این ماده همچنان منصوص شرعی باقی مانده‌اند (مرادی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵)؟، در حالی که مجازات آنها نیز متغیر است؟ به هر رو، مبنای توجیهی برای این رأی یافت نمی‌شود و همچنان اعمال معافیت‌ها در خصوص روابط نامشروع مجازی و ملاک قرار دادن ماده ۶۳۷ توجیه قانونی ندارد و این مطالب نشان می‌دهد که در اصل، رکن قانونی و مجازات قابل اعمال در خصوص این رفتارها مطلب دیگری است و آن ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای است و استفاده از لفظ رابطه نامشروع در مورد این رفتارهای مجازی منجر به این قبیل مسائل شده است.

۳-۴. مرجع صالح به رسیدگی

این مطلب که چه مرجعی صلاحیت رسیدگی به چنین رفتارهای مجازی را دارد، به نوع نگرش اختلافی باز می‌گردد. طبق دیدگاه‌های موافق با رویه و نشست قضایی، ماده ۶۳۷ در قسمتی که رابطه نامشروع

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰ - ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «مستنبط از مقررات ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعزیر مجازاتی است که در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌شود و کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام مربوط به آن به موجب قانون تعیین می‌شود و در ماده ۱۱۵ این قانون به دادگاه اجازه داده شده، مقررات راجع به تخفیف مجازات را در کلیه جرائم تعزیری اعمال کند و در تبصره دوم آن «تعزیر منصوص شرعی» که نوع و مقدار آن همانند مجازات‌های حدی، غیر قابل تغییر می‌باشد از اطلاق ماده اخیرالذکر استثناء شده است؛ بنابراین، نظر شعبه نهم دیوان عالی کشور که مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی را نسبت به محکومیت موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات اعمال کرده است به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص گردید. این رأی در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است». براساس پیش‌نویس این رأی، صدور چنین رأی وحدت رویه‌ای به اختلاف نظر در اعمال معافیت‌ها در زمان رسیدگی به جرم رابطه نامشروع مجازی باز می‌گردد.



به رفتارهای غیر فیزیکی اختصاص داده شده، باید در دادسرا و در بخشی که مربوط به روابط فیزیکی است مستقیماً در دادگاه رسیدگی شود؛ البته موافقان این نظر، خود نیز در اعمال چنین دیدگاهی دچار شک و شبه هستند (جوانمرد، ۱۳۹۶، ص ۴۷) و این مبنا را از ماده ۳۰۶ گرفته‌اند که بیان می‌دارد: «به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود». تبصره - منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است» و صرفاً نظر بر روابط فیزیکی دارد.

اینکه بخواهیم در تعیین مرجع صالح، ماده ۳۰۶ را ملاک و مختص اعمال فیزیکی بدانیم، اما در مفهوم ارائه شده از رابطه نامشروع هیچ توجهی به این ماده نداشته باشیم معقول به نظر نمی‌رسد. در این ماده رابطه نامشروع قسیم عمل منافی عفت و در مفهوم اعمال فیزیکی قرار داده شده است؛ در این صورت بر چه مبنایی در ماده ۶۳۷ این لفظ بسط داده می‌شود؟ از سوی دیگر چنین عملکردی در هیچ یک از قوانین و مواد دیده نمی‌شود؛ اینکه مصادیق ماده بی دلیل بسط داده شود و از آنجایی که با اصول و قواعد حقوقی و دادرسی منافات دارد، بخشی از آن را در صلاحیت دادسرا و بخشی از ماده در صلاحیت مستقیم دادگاه قرار گیرد. این ناهمگونی‌ها و خلاف اصل عمل کردن تنها به جهت بسط بی دلیل این ماده بر رفتارهای غیر مرتبط است. در حالی که اگر این رفتار در قالب ماده ۱۴ قرار داده شود، از آنجایی که مصادیق آن ابتدائاً در دادسرا رسیدگی می‌شوند، هر چند هم قسیم عمل منافی عفت باشند - طبق تقسیم بندی انجام شده - چون طبق ملاک ماده ۳۰۶ فیزیکی نیستند، در دادسرا رسیدگی می‌شوند. بنابراین دلیل رسیدگی آنها در دادسرا به جهت تفاوت رکن مادی و قانونی آنهاست.

۵. نتیجه گیری

رابطه نامشروع در مفهوم روابط منافی عفت، اگر به صورت جسمانی و فیزیکی مادون زنا، لواط و مساحقه صورت پذیرد، یک رابطه نامشروع سنتی (موضوع ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات) است و اگر رکن مادی این رابطه ارسال و توزیع محتویات مستهجن در فضای مجازی (از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی) باشد، از مصادیق جرائم مرتبط با محتوا (موضوع ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای) است. اختصاص دو فصل مجزا از قانون تعزیرات به عنوان «جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی»

گویای این مطلب است. با توجه به تفکیک انجام شده در فصول و رکن مادی روابط نامشروع، جایگاه رفتار ارسال پیامک و عکس، فیلم مستهجن و به تبع آن رکن قانونی آن کاملاً مشخص شد. آنچه مشخص نیست اصرار رویه قضایی بر منطبق کردن این نوع رفتارها با ماده ۶۳۷ است. دادرسان نیز در عمل، تحمیل حکم سنگین این ماده را بر چنین رفتارهایی نمی‌پذیرند. به همین جهت در زمان صدور و اجرای حکم از معافیت‌ها و مجازات‌های جایگزین استفاده می‌کنند. در این رویکرد، به حدی پیش‌روی شده است که اکثر اصول و قواعدی را که ماده ۶۳۷ بر مبنای آنها قانون گذاری شده زیر سؤال رفته است. خلاف اصل تناسب و قانونی بودن جرم مجازات عمل کردن، صدور رأی وحدت رویه مبنی بر غیر منصوص شرعی بودن این ماده و ایجاد اختلاف لاینحل با ماده ۲۳۷ که هنوز هم منصوص شرعی به حساب می‌آید، از جمله این مسائل است. رسیدگی مستقیم دادگاه به مصادیق قانونی ماده ۶۳۷ و رسیدگی در دادرسی به این رفتارهای مجازی که بالاجبار سعی در حاکمیت این ماده بر آنها شده است، همه نشان از اصرار قضایی بر قراردادن یک مصادیق اضافی به مصادیق ماده ۶۳۷ دارد که هیچ‌گونه سنخیتی با این مصادیق فیزیکی نظیر تقبیل و مضاجعه ندارند. این رفتار مجرمانه مجازی خود دارای رکن قانونی و رکن مادی مجزایی است که در خانواده دیگری از جرائم قرار می‌گیرد و آن جرائم مرتبط با محتوا موضوع ماده ۱۴ فصل چهارم قانون جرائم رایانه‌ای است. چرا باید تمامی اصول و قواعد دادرسی به جهت یک عملکرد اشتباه و خلاف خواست قانونگذار زیر سؤال رود؛ مگر غیر از این است که دستگاه قضا باید طبق اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها اقدام نمایند. این مطلب به عدم دانش کافی دستگاه قضا در زمینه جرائم رایانه‌ای باز می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌شود جهت رسیدگی به رفتارهایی نظیر رابطه نامشروع مجازی و کلیه جرائم مشابه آن (تحت عنوان جرائم مرتبط با محتوای مجرمانه) که بدون هیچ توجیهی قوانین جرائم سنتی بر آنها تحمیل می‌شود، از مواد فصل چهارم قانون جرائم رایانه‌ای استفاده شود؛ نظیر عملکردی که در دادرسی و دادگاه تخصصی جرائم رایانه‌ای تهران صورت می‌گیرد.

منابع

۱. الهی‌منش، محمدرضا، سدره نشین، ابوالفضل؛ *محشای قانون جرایم رایانه‌ای*، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.



جلال الدین قیاسی و همکار ————— بازشناسی چالش ناشی از کاربرد نظم عمومی...

۲. احمدلو، محمود؛ سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه جرائم مبتنی بر رابطه نامشروع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۷۷.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
۴. جیشانکار، کی؛ جرم‌شناسی فضای مجازی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴.
۵. جوانمرد، بهروز؛ «ارسال یا عدم ارسال پرونده رابطه نامشروع در فضای مجازی»، دوفصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، شماره ۳، ۱۳۹۶.
۶. دادمرزی، سید مهدی؛ فقه استدلالی، ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، قم: انتشارات طه، ۱۳۹۰.
۷. رحمانیان، حامد، حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ «معیار تفکیک حدود غیر مذکور از تعزیرات منصوص در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۷، شماره ۸۴، ۱۳۹۲.
۸. رهامی، محسن، حیدری، علی‌مراد؛ «شناخت جرایم بدون بزه‌دیده»، فصلنامه مدرّس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ویژه، ۳۷ (پیاپی)، ۱۳۸۳.
۹. شاهدی، پیمان، موسوی، افشین؛ «تحلیل حقوقی جرم رابطه نامشروع در فضای مجازی و آرای قضایی»، چهارمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا، ۱۳۹۶.
۱۰. صادق نژاد نائینی، مجید؛ «بررسی ابهامات و چالش‌های ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات در پرتو رویه عملی محاکم کیفری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دهم، شماره ۲، ۱۳۹۸.
۱۱. عزیزی، مهدی؛ حقوق کیفری جرایم رایانه‌ای، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
۱۲. قدسی، سید ابراهیم، پورزرین، علی؛ «نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی»، نشریه الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ش. ۶۷، ۱۳۸۴.
۱۳. قیاسی، جلال‌الدین، یاور، احسان؛ «حکم جرائم مرتبط در جرائم تعزیری»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۹۴.
۱۴. کریمی، زینب فضل؛ مفهوم و تعیین مصادیق روابط نامشروع و جرایم منافعی عفت مشمول ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، کرج، ۱۳۹۲.

مدرس حقوق کیفری و جرم شناسی _____ دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰

۱۵. لطفی، اسدالله؛ ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
۱۶. مرادی، قاسم؛ «جستاری در تعزیرات منصوص شرعی»، فصلنامه تخصصی علم و وکالت، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۸.
۱۷. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۰.
۱۸. میرمجیدی، سپیده، غلاملو، جمشید؛ «گستره مشروعیت آزادی عمل قضایی در پرتو اصل حاکمیت قانون (مطالعه موردی پرونده های رابطه نامشروع)»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۱۹. یوسفی، ابوالفضل؛ «نقد یک رأی صادره در موضوع ارتکاب بزه رابطه نامشروع از طریق پیامک»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، شماره ۹، ۱۳۹۳.



The Manner of judicial precedent's Functioning encounter Criminal Content; By looking at the so-called Virtual Illegitimate Relationship

Jalal Aldin Ghiasi¹, Parisa Saghafi²

1. Associate Professor in Criminal Law and Criminology, Qom University, Qom, Iran
2. Ph. D. Student in Criminal Law and Criminology, Qom University, Qom, Iran

Received: 2020/9/14

Accepted: 2021/6/30

Abstract

The insistence on using the word illegitimate relationship on behaviors such as sending photos, videos or text between men and women in cyberspace, has led to misunderstanding the behavior and the criminate or incriminate of this behavior under sec. 637 of Islamic Penal Code Act 2013, while the actus reus of such behavior is different. A correct perception of the actus reus is always a behavior that leads us to the mens rea and whether or not it is a crime. The mere use of the word illegitimate relationship to send text, video and photos between a man and a woman cannot be a reason to impose a tough religious penalty with a tougher penalty on a mere virtual behavior. This misconduct can affect other audiences as well. In fact, the actus reus of such behavior is out of sec. 637 and it is subject to sec. 14 of the Computer Crimes Act.

This research has been formed by descriptive-analytical method and using library resources, with the aim of examining the nature and material element of the virtual illicit relationship and correctly identifying its legal element so that heterogeneous behavior is not included among the examples of sec. 637; At the same time, the principles and rules of law, exemption and jurisdiction principles should not be violated.

Keywords: Actus Reus, Mens Rea, Illegitimate Relationship, Cyberspace.

1. corresponding author, Email: Jalalghiasi2001@yhoo.com